

تاریخ معماری معاصر

حسین منصوری^{۱*}، رضا فرمهینی فراهانی^۲

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

چکیده

در دهه اخیر، نگارش آثار تفسیری تاریخی درخصوص معماری معاصر ایران، رشد چشمگیری کرده است. عدم تفکیک چارچوب های متفاوت استدلال و تحلیل و بررسی، توسل به گونه های ناهمخوان تحلیل و ارزیابی، و توجه نکردن به معیارهای استناد در پارادایم های مختلف تحقیق، موانعی را در برابر علمی بودن این پژوهش ها و اعتبار آن ها ایجاد کرده است. در این مقاله در ابتدا به تعریف معماری معاصر ایران، و بررسی دوره های مختلف معماری معاصر پرداخته شده سپس ادبیات تاریخ معماری ایران شرح داده می شود. در ادامه مدرنیته و تاثیر آن بر معماری معاصر ایران مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. در انتها نیز نقش رایانه بر معماری معاصر ایران تشریح شده است.

واژه های کلیدی: معماری معاصر ایران، پارادایم های پژوهش، رایانه، مدرنیته

۱- مقدمه

طرح موضوع معماری معاصر در چارچوب امر تاریخی و امر معاصر را بخشی از تاریخ دانستن، پیش فرضی است که نیاز به توضیح دارد. به جز تفکر ضد قاجاری دوره پهلوی، رویکرد باستان گرایی در آثار اولیه درخصوص معماری ایران و حتی میراث کلاسیسیم بوزاری در دانشکده هنرهای زیبا را می توان عامل مهمی در توجه نکردن به تحلیل معماری های نزدیک به دوره معاصر در دوران پیش از انقلاب برشمرد. با توجه به نحوه شروع نگارش درخصوص معماری دوران مدرنیزاسیون ایران، به صورت پژوهشی و نیمه پژوهشی (توصیفی تحلیلی) و آغاز دیر هنگام آن، طبیعی است که نگرش به این آثار به عنوان "امر تاریخی"، وجه غالب تری در بررسی ها داشته باشد. این امر برخلاف آنچه ابراز شده، منحصر به امروز نیست، بلکه از نمونه های نخست، مانند کار پرویز رجبی (۱۳۵۵)، سبک نگارش ها این گونه بوده است. اما اینکه این بررسی های تاریخ گرایانه، همه جوانب ممکن در پژوهش را پوشش داد ه اند یا خیر، موضوعی است که در اینجا براساس نحوه رجوع به پارادایم های تحقیق، به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

در پارادایم اثبات گرا، نقد فراگیر پوپر بر امکان بررسی علم گرایانه امر تاریخی، سایه افکنده است، اما برخی تلاش های نظری، امکان رجوع اثبات گرایانه را در طراحی محیط به این موضوع فراهم کرده که مواضع راپاپورت (۱۹۹۰) از اهم آنهاست. وی در بررسی این موضوع، به طور مشخص، موضع کارل پوپر را در ضرورت اجتناب از تاریخی گرایی طرح و به پاسخ گویی به اشکالات او پرداخته و نمونه های تاریخی را واجد ارزش "تجربی" از لحاظ "علوم رفتاری" می داند. برولین (۱۹۷۶) گونه ای انتقادی از طرح راپاپورت را عینا و به صورت تاریخ گرایانه، برای سبک معماری مدرن و علل شکست آن، به ویژه در تطابق با الگوهای رفتاری انسان، به کار گرفته است. درواقع، درباره هر عامل زمینه ای معماری که ثبات آن در گذر زمان نسبتاً طولانی، در نگرش پوزیتیویستی و پس از آن، قابل قبول باشد، امکان چنین تحقیقی وجود دارد که مسائلی همچون سازه، اقلیم، انسان سنجی و عوامل ژنتیک و کهن الگوها، از جمله آن هاست. درخصوص معماری غرب و نگارندگان غربی، تکیه بر این دست عوامل ثابت، منجر به تاریخ نگاری های کلی در باب معماری شده است که در خلال آن، موضوع معماری مدرن، به سهولت در